

عُمْدَةُ السَّالِكِ وَعُدَّةُ النَّاسِكِ

تأليف:

شهاب الدين ابوالعباس أحمد بن النقيب المصري

وفات:

سال ۷۶۹ هجری قمری

ترجمه، تحقیق، تفریح أحادیث و بیان دلایل:

سید مسلم تفت دار

مدرسه امیریہ

جزیره قشم – گیاهدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بَابُ النَّجَاسَاتِ

وَالنَّجَاسَةُ هِيَ: الْبَوْلُ،^۱ وَالغَائِطُ،^۲ وَالْدَّمُ،^۳ وَالْقَيْحُ،^۴ وَالْقَيْءُ،^۵ وَالْحَمْرُ،^۶ وَالنَّبِيدُ،^۷ وَكُلُّ مُسْكِرٍ مَائِعٍ،^۸ وَالْكَلْبُ،^۹ وَالْحِنْزِيرُ،^{۱۰} وَفَرْعُ أَحَدِهِمَا،^{۱۱} وَالْوَدْيُ، وَالْمَذْيُ،^{۱۲}

۱. عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِقَبْرَيْنِ، فَقَالَ: «إِنَّهُمَا لَيُعَذَّبَانِ، وَمَا يُعَذَّبَانِ فِي كَبِيرٍ، أَمَّا أَحَدُهُمَا فَكَانَ لَا يَسْتَتِرُ مِنَ الْبَوْلِ، وَأَمَّا الْآخَرُ فَكَانَ يَمِثِّي بِالنَّمِيمَةِ». بخاری ۲۱۸

رسول الله صلى الله عليه وسلم از کنار دو قبری گذر کرد، پس فرمود: این دو عذاب می بینند و در چیز بزرگی عذاب نمی بینند. اما یکی از آن دو از ادرار محافظت به عمل نمی آورد (خود را از ادرار پاک نمی کرد) اما دیگری به سخن چینی (بین مردم) می رفت.

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «إِذَا تَبَرَّزَ لِحَاجَتِهِ، أَتَيْتُهُ بِمَاءٍ فَيَغْسِلُ بِهِ». بخاری ۲۱۷

هرگاه رسول الله صلى الله عليه وسلم به قضای حاجت می رفت، من نزد ایشان آب می آوردم پس خود را با آن می شست.

۲. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: «أَتَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْغَائِطَ فَأَمَرَنِي أَنْ آتِيَهُ بِثَلَاثَةِ أَحْجَارٍ، فَوَجَدْتُ حَجْرَيْنِ، وَالتَّمَسْتُ الثَّلَاثَ فَلَمْ أَجِدْهُ، فَأَخَذْتُ رَوْثَةً فَأَتَيْتُهُ بِهَا، فَأَخَذَ الْحَجْرَيْنِ وَالْقَى الرَّوْثَةَ» وَقَالَ: هَذَا رِكْسٌ. بخاری ۱۵۶

رسول الله صلى الله عليه وسلم به قضای حاجت رفت. پس مرا امر نمود که سه سنگ بیاورم. دو سنگ یافتم و دنبال سومی گشتم اما نیافتم. پس مدفوع خشکی را برداشتم و نزد ایشان آوردم. رسول الله صلى الله عليه وسلم دو تکه سنگ را گرفت و مدفوع خشک را انداخت و فرمود: این نجس است.

۳. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ﴾ سورة انعام، آیه ۱۴۵

بگو: در آن چه به من وحی شده است بر خورنده‌ای که آن را بخورد حرام نمی‌یابم مگر آن که مردار یا خون جاری یا گوشت خوک باشد همانا (خوک) نجس است.

عَنْ أَسْمَاءَ، قَالَتْ: جَاءَتِ امْرَأَةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَتْ: أَرَأَيْتَ إِحْدَانَا تَحِيضُ فِي الثَّوْبِ، كَيْفَ تَصْنَعُ؟ قَالَ: تَحْتَهُ، ثُمَّ تَقْرُصُهُ بِالْمَاءِ، وَتَنْضَحُهُ، وَتُصَلِّي فِيهِ. بخاری ۲۲۷

زنی نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آمد و گفت: اگر یکی از ما در لباسش حائض شود، خبر بده که چه کاری انجام دهد؟ فرمود: آن را با دست می‌کند سپس آب را کم کم بر آن می‌ریزد و می‌شوید و در آن نماز می‌گزارد.

حدیث دلالت می‌دهد که خون نجس است زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم به کندن و سپس شستن لباس امر کرد سپس فرمود: در آن نماز بگزار.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أُحِلَّتْ لَكُمْ مَيْتَتَانِ وَدَمَانِ، فَأَمَّا الْمَيْتَتَانِ، فَالْحَوْتُ وَالْجُرَادُ، وَأَمَّا الدَّمَانِ، فَالْكَبِدُ وَالطَّحَالُ. صحیح. ابن ماجه ۳۳۱۴

برای شما دو خون و دو مردار حلال گردانده شده است: اما دو مردار: ماهی و ملخ و اما دو خون: جگر و اسپرز است. مفهوم مخالفی حدیث این می‌شود که به غیر از جگر و اسپرز، بقیه‌ی خون‌ها نجس‌اند.

۴. ریم و زردآب از باب اولی نجس است زیرا علاوه بر این که خون است و نجس بودن آن ثابت شد، متعفن و بدبوست.

۵. به استفراغ، حکم مدفوع داده می‌شود زیرا هرگاه چیزی وارد معده شد و معده آن را متحول ساخت نجس می‌شود.

۶. النجم الوهاج: ابن عبدالبر و ابوحامد می‌گویند: علما بر نجاست خمر اجماع کرده‌اند. عجاله المحتاج: خمر به اجماع نجس است.

۷. به مست‌کننده‌ای که از انگور تهیه شود خمر، و به مست‌کننده‌ای که از غیر انگور تهیه شود، نبیذ می‌گویند.

۸. بر خمر قیاس گرفته می‌شوند. زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم هر مست‌کننده‌ای را مانند خمر دانسته است: قَالَ: «كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ». مسلم ۱۷۳۳

هر مست کننده‌ای حرام است.

٩ . قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا وَلَغَ الْكَلْبُ فِي إِنَاءٍ أَحَدِكُمْ فَلْيُرْفُهُ ثُمَّ

لِيُغْسِلَهُ سَبْعَ مَرَارٍ. مسلم ٢٧٩

هرگاه سگ در ظرف یکی از شما دهان زد، آن را بریزد سپس هفت بار آن را بشوید. النجم الوهاج: اگر نجس نبود رسول الله صلی الله علیه و سلم به ریختن آن امر نمی‌کرد زیرا از اضاعه‌ی مال نهی کرده است.

١٠ . لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ

يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ﴾ سورة انعام، آیه ١٤٥

بگو: در آنچه به من وحی شده است بر خورنده‌ای که آن را بخورد حرام نمی‌یابم مگر آن که مردار یا خون جاری یا گوشت خوک باشد همانا (خوک) نجس است.

برگشت ضمیر در «فَإِنَّهُ» به خنزیر است نه به لحم. زیرا برگشت دادن ضمیر به اقرب مذکور، اولی‌تر است.

همچنین در آیه‌ی قبل اگر «رِجْسٌ» را به گوشت خوک ارجاع دهیم کلام از فایده‌ی تأسیس خارج می‌شود زیرا در سوره‌ی مائده، آیه‌ی ٣ آمده است: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ﴾ مردار، خون و گوشت خوک بر شما حرام شده است.

پس بر حرام بودن گوشت خوک نص وارد شده است. اما اگر ضمیر را به خنزیر برگشت دهیم فایده‌ی تأسیس حاصل شده و معنای جدیدی از آن استنباط می‌شود. همان‌گونه که در قاعده‌ی فقهی آمده است: التَّاسِيسُ خَيْرٌ مِنَ التَّوَكُّيدِ. پس با توضیح فوق، معنا چنین می‌شود: تمام اجزای بدن خوک نجس است.

عَنْ أَبِي ثَعْلَبَةَ الْخُسَيْنِيِّ، أَنَّهُ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِنَّا نُبَاوِرُ أَهْلَ الْكِتَابِ وَهُمْ يَطْبَخُونَ فِي قُدُورِهِمْ الْخِنْزِيرَ وَيَشْرَبُونَ فِي آنِيَتِهِمُ الْحُمْرَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنْ وَجَدْتُمْ غَيْرَهَا فَكُلُوا فِيهَا وَاشْرَبُوا، وَإِنْ لَمْ تَجِدُوا غَيْرَهَا فَارْحَضُوا بِالْمَاءِ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا. صحيح. ابوداود ٣٨٣٩

ابو ثعلبه خسنی از رسول الله صلی الله علیه و سلم پرسید و گفت: ما در همسایگی اهل کتاب قرار گرفته‌ایم. آنان در دیگ‌هایشان گوشت خوک می‌پزند و در ظرف‌هایشان شراب

و نجاست، آن: ادرار، و مدفوع، و خون، و ریم، و خمر، و نبیذ، و هر مست‌کننده‌ی مایعی، و سگ، و خوک، و فرع یکی از آن دو، و ودی، و مذی،
وَمَا لَا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ إِذَا ذُبِحَ،^{۱۳} وَالْمَيْتَةُ،^{۱۴} إِلَّا السَّمَكُ^{۱۵} وَالْجُرَادُ^{۱۶} وَالْأَدْيِيُّ،^{۱۷} وَلَبَنُ مَا لَا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ^{۱۸} غَيْرَ الْأَدْيِيِّ،^{۱۹}

می‌نوشند. رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود: اگر غیر از این ظروف یافتید در آن بخورید و بیاشامید و اگر غیر از این ظروف نیافتید آن را با آب بشوید سپس بخورید و بیاشامید.
^{۱۱} . هر چیزی از سگ و خوک متولد شود، نجس است زیرا فرع به تَبَعِ أَصْلِ، نجس می‌شود. یا از یکی از آن دو متولد شود باز هم نجس است زیرا در طهارت و نجاست بین دو حیوان، حکم به پست‌ترین آن دو تعلق می‌گیرد.

^{۱۲} . عَنْ عِيٍّ قَالَ: كُنْتُ رَجُلًا مَدَّاءَ وَكُنْتُ أَسْتَحْيِي أَنْ أَسْأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِمَكَانِ ابْنَتِهِ فَأَمَرْتُ الْمُقَدَّادَ بْنَ الْأَسْوَدِ فَسَأَلَهُ فَقَالَ: يَغْسِلُ ذَكَرَهُ وَيَتَوَضَّأُ. مسلم ۳۰۳

من شخصی بودم که مذی من، بسیار می‌آمد و به خاطر جایگاه دختر رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم به نزد من، شرم داشتم که (در این رابطه) از ایشان بپرسم. به مقداد بن الأسود امر نمودم مقداد از ایشان سوال نمود. ایشان فرمودند: شرمگاهش را می‌شوید و وضو می‌گیرد.

امام نووی در مجموع می‌نویسد: علماء بر نجاست مذی و ودی اجماع نموده‌اند.
^{۱۳} . زیرا حیوان حرام گوشت اگر ذبح کرده شود، مردار می‌شود و مردار به اجماع علماء نجس است.

^{۱۴} . امام نووی در مجموع، اجماع علماء را در مورد نجاست مردار بیان کرده است.

^{۱۵} . لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ﴾ سوره مائده، آیه: ۹۶

صید دریا و خوراکی‌های آن برای شما حلال گردانده شده است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: هُوَ الطَّهْرُ مَاؤُهُ، الْحِلُّ مَيْتَتُهُ. صحیح. أبوداؤود

۸۳، ترمذی ۶۹

آب دریا پاک است و مردار آن حلال است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أُحِلَّتْ لَكُمْ مَيْتَتَانِ وَدَمَانٍ، فَأَمَّا الْمَيْتَتَانِ، فَالْحَوْتُ وَالْجُرَادُ، وَأَمَّا الدَّمَانِ، فَالْكَبِدُ وَالطَّحَالُ. صحيح. ابن ماجه ۳۳۱۴

برای شما دو خون و دو مردار حلال گردانده شده، اما دو مردار: ماهی و ملخ و اما دو خون: جگر و اسپرز است.

امام نووی در مجموع، اجماع علما را در مورد طهارت ماهی بیان کرده است.

۱۶. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي أَوْفَى، قَالَ: عَزَوْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَبْعَ عَزَوَاتٍ نَأْكُلُ الْجُرَادَ. مسلم ۱۹۵۲

همراه رسول الله صلی الله علیه و سلم هفت غزوه انجام دادیم (که به علت نبود آذوقه) ملخ می خوردیم.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أُحِلَّتْ لَكُمْ مَيْتَتَانِ وَدَمَانٍ، فَأَمَّا الْمَيْتَتَانِ، فَالْحَوْتُ وَالْجُرَادُ، وَأَمَّا الدَّمَانِ، فَالْكَبِدُ وَالطَّحَالُ. صحيح. ابن ماجه ۳۳۱۴

برای شما دو خون و دو مردار حلال گردانده شده، اما دو مردار: ماهی و ملخ و اما دو خون: جگر و اسپرز است.

امام نووی در مجموع، اجماع علما را در مورد طهارت ملخ بیان کرده است.

۱۷. اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَيِّ فَرَمَايِدُ: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾ سوره اِسْرَاءِ، آیه: ۷۰

ما بنی آدم را مکرّم و گرامی داشتیم.

قضیه‌ی تکریم و بزرگداشت ایجاب می‌کند که انسان، کافر یا مسلمان باشد بعد از حیات نیز حکم به پاکی و طهارت او نمائیم. زیرا اگر بپنداریم انسان بعد از حیات نجس می‌گردد نوعی تحقیر محسوب می‌شود که با تکریم، مغایرت پیدا می‌کند.

اما آیه‌ی ۲۸ سوره‌ی توبه که می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ﴾ قطعاً که مشرکین نجس هستند.

منظور از این نجاست، نجاست عقیده است نه نجاست بدن. دلیل آن در صحیح بخاری ۴۶۲ آمده: اصحاب، اَسیر مشرکی را با طناب به ستون مسجد بستند. اگر بدن مشرکین نجس بود رسول الله صلی الله علیه و سلم بلافاصله دستور می‌داد که نجاست را از مسجد خارج کنند.

و حیوانی که گوشت آن خورده نمی‌شود هرگاه ذبح شد، و مردار مگر ماهی و ملخ و انسان (که مردار این سه، پاک است). و شیر حیوانی که گوشت آن خورده نمی‌شود (نجس است) غیر از انسان (که شیر او پاک است).

وَشَعْرُ الْمَيْتَةِ، وَشَعْرُ غَيْرِ الْمَأْكُولِ إِذَا انفَصَلَ فِي حَيَاتِهِ ۚ إِلَّا الْأَدْيِيَّ. ۱۸ وَمَنِي الْكَلْبِ وَالْحِنْزِيرِ. ۱۹

و موی مردار، و موی حیوان حرام گوشت هرگاه در حیاتش جدا شد (نجس است) مگر انسان. و منی سگ و خوک (نجس است).

وَالْإِنْفَحَةَ ۲۰ طَاهِرَةٌ إِنْ أُخِذَتْ مِنْ سَخْلَةٍ مُدْكَأَةٍ لَمْ تَأْكُلْ غَيْرَ اللَّبَنِ. ۲۱

و اینفحه پاک است اگر از بچه‌ی گوسفندی گرفته شود که به غیر از شیر چیزی نخورده است.

در حدیثی دیگر، رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم می‌فرماید: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَنْجُسُ. بخاری

۲۸۵

قطعا مؤمن نجس نمی‌شود. و این لفظ، عام است که حیات و ممات را شامل می‌شود. ۱۸ . النجم الوهاج: زیرا عصاره‌ی اوست. معنی المحتاج: زیرا همانند خون، در شکم متحول شده است.

۱۹ . النجم الوهاج: زیرا شایسته‌ی کرامت آدمی نیست که پرورش او با شیئی نجس باشد. ۲۰ . قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا قُطِعَ مِنَ الْبَهِيمَةِ وَهِيَ حَيَّةٌ فَهُوَ مَيْتٌ. حاکم در مستدرک ۷۱۵۰ صحیح دانسته و ذهبی با او موافقت نموده.

آن‌چه از حیوان قطع کرده شود و در حالی که آن حیوان زنده باشد پس آن مردار است.

۲۱ . الله عزوجل می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾ سوره‌ی اسراء، آیه: ۷۰

ما بنی آدم را مکرّم و گرامی داشتیم.

۲۲ . منی سگ و خوک نجس است زیرا ذات آن‌ها نجس است.

۲۳ . مایه‌ی پنیر که از شکم نوزاد شیرخوار چارپایان علف‌خوار بیرون می‌آورند.

۲۴ . فتح‌العزیز و معنی: زیرا در ساختن پنیر به آن نیاز پیدا می‌شود.

مجموع: زیرا سلف همیشه با آن پنیر می‌ساختند و از خوردن پنیری که با آن ساخته شده، امتناع نمی‌کردند. دلیل ما این است که اینفحه جزئی از سخله‌ای است که ذبح شده، پس به مانند دستش می‌ماند.

وَمَا يَسِيلُ مِنْ فَمِ التَّائِمِ إِنْ كَانَ مِنَ الْمَعِدَةِ بِأَنْ كَانَ لَا يَنْقَطِعُ إِذَا طَالَ نَوْمُهُ
فَنَجَسٌ، وَإِنْ كَانَ مِنَ اللَّهَوَاتِ^{۲۵} بِأَنْ كَانَ يَنْقَطِعُ فَطَاهِرٌ.^{۲۶}

و چیزی که از دهان خوابیده جاری می‌شود اگر از معده باشد بطوری که اگر خوابش طولانی شد منقطع نمی‌شود؛ نجس است. و اگر از بیخ کام باشد بطوری که منقطع می‌شود پس پاک است.

وَالْعُضْوُ الْمُنْفَصِلُ مِنَ الْحَيِّ حُكْمُهُ حُكْمُ مَيْتَةِ ذَلِكَ الْحَيَّوَانِ، إِنْ كَانَتْ طَاهِرَةً
كَالسَّمَكِ فَطَاهِرٌ، وَإِلَّا كَالْحِمَارِ فَنجَسٌ.^{۲۷}

و عضو جدا شده از زنده، حکم آن، حکم مردار آن حیوان دارد اگر (مردار آن) پاک باشد، مانند: ماهی؛ پس پاک است و اگر (مردار آن) نجس باشد، مانند: دراز گوش، پس نجس است.

[۱] وَالْعَلَقَةُ، [۲] وَالْمُضْغَةُ،^{۲۸} [۳] وَرُطُوبَةُ فَرْجِ الْمَرْأَةِ،^{۲۹} [۴] وَبَيْضُ الْمَأْكُولِ،^{۳۰} [۵]
وَلَبَنُهُ^{۳۱} وَشَعْرُهُ وَصُوفُهُ وَوَبْرُهُ وَرَيْشُهُ إِذَا انفَصَلَ فِي حَيَاتِهِ أَوْ بَعْدَ ذَكَاتِهِ،^{۳۲} [۶] وَعَرَقُ
الْحَيَّوَانِ الطَّاهِرِ^{۳۳} طَاهِرٌ، حَتَّى الْفَأْرَةَ، وَرَيْقُهُ وَدَمْعُهُ،^{۳۴}

^{۲۵} . اللَّهَوَاتُ: مفرد آن اللَّهَاءُ. کام که گوشت‌پاره‌ای است آویخته در اقصای اعلاى دهان، زبان کوچک. دهخدا.

^{۲۶} . هر چه به معده رسید حکم مدفوع می‌گیرد زیرا معده آن را دگرگون می‌سازد و اگر به معده نرسید همانند آب دهان و مخاط طاهر است.

^{۲۷} . قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا قُطِعَ مِنَ الْبَهِيمَةِ وَهِيَ حَيَّةٌ فَهُوَ مَيْتٌ. حاکم در مستدرک ۷۱۵۰ صحیح دانسته و ذهبی با او موافقت نموده.

آن چه از حیوان قطع کرده شود و در حالی که آن حیوان زنده باشد پس آن مردار است.
^{۲۸} . نطفه در شکم مادر ابتدا خون بسته‌ای می‌شود و سپس به قطعه گوشتی تبدیل می‌شود به اولی علقه و به دومی مضغه می‌گویند.

نجم و عجاله: زیرا اصل آدمی است پس به منی شباهت پیدا می‌کند.
^{۲۹} . النجم الوهاج: آب بی‌رنگی است که از انتهای رحم می‌آید. عجاله المحتاج: بر عرق قیاس گرفته می‌شود.

و [۱] خون بسته؛ [۲] و قطعه گوشت؛ [۳] و رطوبت شرمگاه زن؛ [۴] و تخم حلال گوشت؛ [۵] و شیر، مو، پشم، کُرک و پر حیوان حلال گوشت هرگاه در حیانتش یا بعد از ذبحش جدا شد؛ [۶] و عرق، آب دهان و اشک حیوان پاک حتی موش، (شش مورد یاد شده به تمامی) پاک است.

وَلَبْنُ الْأَدْيِيِّ ۳۰ وَمَنِيَّةُ غَيْرِ نَجَسٍ، ۳۶ وَكَذَا مَنِيُّ غَيْرِ الْكَلْبِ وَالْحِزْبِرِ؛ ۳۷ وَقِيلَ: نَجَسٌ.

۳۰. در بعضی از نسخه‌های چاپی و شروحات زیاد آمده: **وَيَبِيضُ الْمَأْكُولِ وَغَيْرِهِ**، اما در چاپ دار المنهاج و نسخ خطی نزد من وجود ندارد. مراد از آن: تخم حیوان حرام گوشت نیز طاهر است و خوردن آن حلال است مگر ضرر داشته باشد، مانند: تخم مار. ۳۱. نجم و تحفه: بر پاکی شیر حیوان حلال گوشت، اجماع شده است. ۳۲. **لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ﴾** سوره نحل، آیه ۸۰.

و (خداوند) از پشم و کرک و موی چهارپایان، وسایل منزل و موجبات رفاه و آسایش شما را فراهم کرده است که تا مدتی (که زنده‌اید) از آن‌ها بهره ببرید. تحفه المحتاج: به اجماع طاهر است.

۳۳. **الْحَيَوَانَ الطَّاهِرِ**: تمام حیوانات تا زمانی که زنده‌اند پاک‌اند مگر سگ و خوک. ۳۴. زیرا وقتی به طهارت حیوانی حکم کرده شد در ضمن آن، باید به طهارت عصاره‌اش نیز حکم کرد.

۳۵. النجم الوهاج: زیرا شایسته‌ی کرامت آدمی نیست که پرورش او با شیئی نجس باشد. ۳۶. **عَنْ عَائِشَةَ فِي الْمَنِيِّ قَالَتْ: كُنْتُ أَفْرُكُهُ مِنْ ثَوْبِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.** مسلم ۲۸۸

از عایشه در مورد منی روایت است که گفت: من با دست آن را از لباس رسول الله صلی الله علیه وسلم پاک می‌کردم. حدیث دلالت می‌دهد اگر منی نجس بود با کندن دست پاک نمی‌شد و آب لازم می‌گردید.

۳۷. منی سگ و خوک نجس است زیرا ذات آن‌ها نجس است. منی بقیه‌ی حیوانات پاک است زیرا ذات آن‌ها نجس نیست و در حال حیات پاک هستند.

و شیر انسان و منی او نجس نیست و همچنین منی غیر انسان (نجس نیست) مگر (منی) سگ و خوک (که نجس است). و قول ضعیفی است که (منی غیر از انسان و غیر از سگ و خوک) نجس است.

وَلَا يَظْهَرُ شَيْءٌ مِنَ النَّجَاسَاتِ إِلَّا الْخُمْرُ إِذَا تَحَلَّلَ^{۳۸} وَالْجِلْدُ إِذَا دُبِغَ^{۳۹} وَنَجَسًا يَصِيرُ حَيَوَانًا.^{۴۰}

و چیزی از نجاسات پاک نمی شود مگر خمر هرگاه به سرکه گردید و پوست هرگاه دباغی شد و نجسی که به حیوان تبدیل شود.

^{۳۸} . عجاله المحتاج: هرگاه خمر خودبخود بدون انداختن چیزی در آن به سرکه گردید، به اجماع پاک شده است.

^{۳۹} . به عملیات پاک سازی پوست از خون، چربی و بقیه ی فضلات و ضد عفونی کردن آن را دباغی می گویند. این عملیات با برگ یا پوست درختانی مانند کاج، صنوبر، بلوط، فندق، سماق، قرظ، انار و... انجام می گیرد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا دُبِغَ الْإِهَابُ فَقَدْ طُهِرَ. مسلم ۳۶۶

هرگاه پوست، دباغی کرده شد بدون شک پاک شده است.

عَنْ الْعَالِيَةِ بِنْتِ سُبَيْعٍ، أَنَّ مَيْمُونَةَ زَوْجَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَدَّثَتْهَا، أَنَّهُ مَرَّ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رِجَالٌ مِنْ قُرَيْشٍ يَجْرُونَ شَاةً لَهُمْ مِثْلَ الْحِصَانِ، فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَوْ أَخَذْتُمْ إِهَابَهَا؟» قَالُوا: إِنَّهَا مَيْتَةٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يُطَهَّرُهَا الْمَاءُ وَالْقَرْظُ. صحيح. نسائي ۴۲۴۸

روزی مردانی از قریش از کنار رسول الله صلی الله علیه وسلم می گذشتند در حالی که با خود گوسفند (مرده ای) را همانند اسب می کشیدند. رسول الله صلی الله علیه وسلم به آنان فرمود: چرا پوست آن را بر نمی دارید؟ گفتند: مردار است. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: آب و برگ درخت قرظ (درختی خاردار که در مناطق گرمسیر می روید، اهالی جزیره ی قشم به آن کِرْت می گویند) آن را پاک می گرداند.

^{۴۰} . أسنى المطالب: زیرا از نجاست بوجود نیامده بلکه در نجاست خلقت شده است.

فَإِذَا تَخَلَّتِ الْخُمْرُ [۱] بِغَيْرِ الْقَاءِ شَيْءٍ فِيهَا [۲] إِمَّا بِنَفْسِهَا [۳] أَوْ بِنَقْلِهَا مِنَ
السَّمْسِ إِلَى الظِّلِّ [۴] وَعَكْسِهِ [۵] أَوْ بِفَتْحِ رَأْسِهَا؛ طَهَّرَتْ^۱ مَعَ أَجْزَاءِ الدَّنِّ^۲ الْمَلَاقِيَةَ
لَهَا، وَمَا فَوْقَهَا مِمَّا أَصَابَتْهُ عِنْدَ الْغَلْيَانِ،^۳ وَإِنْ أُلْقِيَ فِيهَا شَيْءٌ فَلَا،^۴

^{۴۱} . نجم و مغنی: علت نجاست، إسکار است پس وقتی که خود به خود به سرکه تبدیل
شد و علت اسکار برطرف شد، طاهر می شود.

قَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ: فَلَا يُشْرَبُ خَلٌّ خُمْرٍ أُفْسِدَتْ حَتَّى يُبَدِيَ اللَّهُ فَسَادَهَا، فَعِنْدَ
ذَلِكَ يَطِيبُ الْخَلُّ. رجاله ثقات. السنن الكبرى للبيهقي ۱۱۲۰۱

خمري که (با فعل انسان) به سرکه گردیده است، خورده نشود. تا این که خداوند آن را به
سرکه تبدیل گرداند (خود به خود بدون دخالت انسان به سرکه تبدیل شود) پس در این
هنگام سرکه پاک است.

^{۴۲} . الدَّنُّ: ظرف سفالی بزرگ که در آن، آب یا سرکه یا شراب یا چیز دیگر بریزند و به
علت بزرگی اش باید چاله‌ای کند و آن را در زمین کار گذاشت. منجد، فرهنگ معین.
^{۴۳} . مغنی المحتاج: برای ضرورت.

^{۴۴} . عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، أَنَّ أَبَا طَلْحَةَ، سَأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ أَيْتَامٍ
وَرِثُوا خُمْرًا، قَالَ: «أَهْرِقْهَا» قَالَ: أَفَلَا أَجْعَلُهَا خَلًّا؟ قَالَ: «لَا». صحيح. ابوداود ۳۶۷۵

ابوطلحه از رسول الله صلى الله عليه وسلم در مورد ایتامی پرسید که خمر را به ارث بردند.
رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: آن را بریز. ابوطلحه گفت: آیا آن را به سرکه تبدیل
نگردانم؟ رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: نه.

عَنْ أَنَسِ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سُئِلَ عَنِ الْخُمْرِ تَتَّخَذُ خَلًّا، فَقَالَ: «لَا».
مسلم ۱۹۸۳

از رسول الله صلى الله عليه وسلم در مورد خمري که (با فعل انسان) تبدیل به سرکه شود؛
سوال گرفته شد. پس فرمود: نه.

مغنی المحتاج: اگر با فعل انسان بوسیله‌ی انداختن چیزی در آن به سرکه تبدیل شد
متنجس می شود زیرا هنگام تبدیل مایع به خمر، اگر چیزی در ظرف انداخته شود آن چیز
متنجس گشته و با متنجس شدن آن، تمام محتویات ظرف متنجس می گردد.

هرگاه خمر [۱] بدون انداختن چیزی در آن [۲] یا خودبخود [۳] یا با نقل آن از آفتاب به سایه [۴] و عکس آن (با نقل آن از سایه به آفتاب) [۵] یا با باز کردن در آن؛ به سرکه گردید؛ پاک شده است به همراه قسمت‌هایی از خم که با آن برخورد کرده و بالای آن (قسمت‌ها) از آن (مکان‌هایی) که هنگام جوش زدن به آن اصابت کرده است. و اگر چیزی در آن انداخته شد پس نه (پاک نشده است).

وَالدَّبِغُ هُوَ: نَزْعُ الْفَضَلَاتِ بِكُلِّ حَرِيفٍ وَلَوْ نَجَسًا،^{۴۵} وَلَا يَكْفِي مِلْحٌ وَتُرَابٌ وَشَمْسٌ،^{۴۶} وَلَا يَجِبُ اسْتِعْمَالُ مَاءٍ فِي أَثْنَائِهِ^{۴۷} لَكِنَّهُ بَعْدَ الدَّبِغِ كَثُوبٌ مُتَنَجِّسٍ فَيَجِبُ عَسَلُهُ بِمَاءٍ طَهُورٍ،^{۴۸} وَلَا يَطْهَرُ بِهِ جِلْدٌ كَلْبٍ وَخَنَزِيرٍ^{۴۹} وَلَوْ كَانَ عَلَى الْجِلْدِ شَعْرٌ لَمْ يَطْهَرِ الشَّعْرُ بِالدَّبِغِ^{۵۰} وَيُعْفَى عَنْ قَلِيلِهِ.^{۵۱}

^{۴۵} . دلیل آن حدیث مسلم ۳۶۶ و نسائی ۴۲۴۸ که گذشت.

^{۴۶} . نجم و عجاله: زیرا فضلات هنوز وجود دارد و فقط جامد شده‌اند. بدین علت است که هرگاه در آب فرو برده شد عفونت به آن بازمی‌گردد.

^{۴۷} . النجم الوهاج: به خاطر عموم فرموده‌ی رسول الله صلی الله علیه و سلم: أَيَّمَا إِهَابٍ

دُبِغٍ فَقَدْ طَهَّرَ. صحیح، ترمذی ۱۷۲۸

هر پوستی که دباغی شد، پاک شده است.

^{۴۸} . پوست حیوان حرام گوشت یا حلال گوشتی که ذبح نشده باشد چون قبل از دباغی نجس بوده است به دنبال آن بعد از دباغی مانند پارچه‌ی نجس شده می‌ماند و با شستن، پاک می‌شود.

اما پوست حیوان حلال گوشتی که ذبح شده است اگر با چیزهای پاکی همانند برگ درخت قرظ یا پوست انار دباغی شد پس بعد از دباغی و قبل از شستن پاک است. اما اگر با چیزهای نجسی مانند مدفوع کبوتر دباغی شد پس مانند پارچه‌ی نجس شده می‌ماند و با شستن، پاک می‌شود.

^{۴۹} . زیرا در حال حیات نیز نجس‌اند پس هنگامی که جیفه گردیدند از باب اولی که نجس باقی می‌مانند. اما پوست بقیه‌ی حیوانات دباغی می‌شود زیرا در حال حیات، پاک‌اند.

^{۵۰} . زیرا دباغی کرده می‌شود که این فضلات از بین برود.

^{۵۱} . زیرا دوری کردن از آن مشقت است.

و دباغی، آن: کندن فضلات با هر شیئی تند و تیزی است و اگر چه نجس باشد. و نمک، خاک و خورشید کفایت نمی‌کند. و استعمال آب در اثنای آن واجب نمی‌شود اما (آن پوست) بعد از دباغی مانند پارچه‌ی نجس شده‌ای است پس شستن آن با آب طهور واجب می‌شود. و با دباغی، پوست سگ و خوک پاک نمی‌شود. و اگر بر پوست، مویی باشد مو با دباغی پاک نمی‌شود و از کمی آن عفو می‌شود.

وَمَا تَنْجَسُ بِمُلَاقَاةِ شَيْءٍ مِنَ الْكَلْبِ وَالْحَنْزِيرِ لَمْ يَطْهَرُ إِلَّا بِغَسْلِهِ سَبْعًا، إِحْدَاهُنَّ بِتُرَابٍ طَاهِرٍ^{۵۲} يَسْتَوْعِبُ الْمَحَلَّ.^{۵۳}

و آن چه با برخورد با چیزی از سگ و خوک متنجس شد پاک نمی‌شود مگر با شستن آن هفت مرتبه، یک مرتبه‌ی آن با خاکی که محل را فرا بگیرد.

وَيَجِبُ مَرْجُهُ بِمَاءٍ طَهُورٍ، وَيُنْدَبُ جَعْلُهُ فِي غَيْرِ الْأَخْيَرَةِ،^{۵۴} وَلَا يَقُومُ غَيْرُ التُّرَابِ مَقَامَهُ كَصَابُونٍ وَأُشْتَانٍ.^{۵۵}

^{۵۲} . مغنی المحتاج: زیرا چیز نجس، نجاست را از بین نمی‌برد.

^{۵۳} . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: طَهُورُ إِنَاءٍ أَحَدِكُمْ إِذَا وَلَغَ فِيهِ الْكَلْبُ،

أَنْ يَغْسِلَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ أَوْ لَاهُنَّ بِالتُّرَابِ. مسلم ۲۷۹

پاکی ظرف‌های یکی از شما هرگاه سگ در آن دهان زد این است که هفت بار آن را بشوید بار اول آن با خاک.

امام الحرمین در نهاییه المطلب و خطیب در الإقناع به این مطلب اشاره می‌نمایند که: نص حدیث بر دهان زدن آمده است اما بقیه‌ی اجزای بدن سگ بر آب دهانش قیاس گرفته می‌شوند، مانند: عرق، ادرار، مدفوع و سایر بدن.

امام شافعی در الأم نص آورده است که خوک بر سگ قیاس گرفته می‌شود. (زیرا همان‌گونه که با دلیل ثابت شد فقط این دو حیوان ذاتاً نجس هستند پس طهارت از نجاست آن دو نیز مثل هم است. همچنین امام الحرمین در نهاییه المطلب اضافه می‌کند که حرام بودن گوشت خوک در قرآن نص آمده است و هرگونه انتفاع بردن از خوک ممنوع است به خلاف سگ که نگهداری آن جهت نگهبانی و شکار جایز است پس وقتی شش بار شستن با آب و یک بار شستن با خاک در سگ ثابت شد از باب اولی که می‌توان خوک را در این حکم داخل کرد).

و مخلوط کردن خاک با آب طهور واجب می‌شود. و قرار دادن خاک در غیر از مرتبه‌ی آخر، سنت می‌شود. و به غیر از خاک چیزی همانند: صابون و گیاه آشنان جای آن را نمی‌گیرد.

^{۵۴} . زیرا اگر خاک در بار آخر قرار داده شود محل مورد نظر با خاک آغشته می‌شود در نتیجه برای تمیز کردن آن، بار هشتم به آب نیاز پیدا می‌شود.

^{۵۵} . النجم الوهاج: زیرا بر خاک نص وارد شده است پس چیزی دیگر جایگزین آن نمی‌شود همانند: خاک در تیمم.